

## مطالعه انسجام آوایی در سور حوامیم، با سنجش همگونی انواع فاصله

### چکیده

انسجام متون در حوزه زبان‌شناسی، مرهون عناصر متعددی است که نخستین و بارزترین آن را می‌توان عناصر موسیقایی برشمرد. تناسب متن نیز تا حدود زیادی به عنصر سجع وابسته است و سهولت انتقال معانی متن و مانایی آن در ذهن مخاطب، پیوندی معنادار با انسجام آن در سطوح مختلف آوایی، واژگانی، دستوری و معنایی دارد. از طرفی قرآن کریم با بهره‌گیری اعلائی خود از عناصر انسجام‌بخش، به معماری عمارت سخن پرداخته و بیشترین شایستگی را برای مطالعه و تحلیل دارد. در این میان سور حوامیم به دلیل حروف مقطعه مشابه، قرابت معنایی مضامین و پیوستگی نزول، شایسته توجه در عرصه پژوهش خواهد بود. مقاله حاضر در صدد بررسی آن است که آیا در سور حوامیم با فواتح مشابه، بافت موسیقایی مشخص و مشابهی نیز وجود دارد؟ انسجام آوایی در این سور از حیث کاربست سجع یا همان فاصله، چگونه است؟ در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، مشخص شد که در سور حوامیم با مصدر مشابه و مضامین متناظر، فراوانی استفاده از سجع‌های سه‌گانه دارای در صدی مشابه و متقارن است؛ به‌گونه‌ای که اولاً فراوانی استفاده از هر کدام آن سجع‌ها، در هفت سوره، در صدی متقارب است؛ به‌گونه‌ای که سجع مطرف دارای بیشترین بسامد، پس از آن سجع متوازی و سپس سجع متوازن بالاترین در صد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. ثانیاً نسبت در صد فراوانی انواع این فواصل، در هر کدام از این سور، توازن و توزیعی مشابه دارد؛ بافت آوایی در سور حوامیم به لحاظ کاربست سجع، دارای بافتی همگن بوده موسیقی متن، بویژه استفاده از سجع، به خوبی در خدمت معنا قرار گرفته‌است.

واژگان کلیدی: سور حوامیم، انسجام متن، سجع، فاصله.

### مقدمه

پردازش و واکاوی بلاغی متون ادبی از دیرباز مورد توجه اهالی فن بوده و همواره اربابان ادب و اصحاب سخن را در تحلیل متون ادبی و خاصه درباره قرآن، این اعجاز جاودانی پیامبر خاتم (ص)، به خود واداشته‌است. اما امروزه علوم زبان‌شناختی و دانش زبان‌شناسی، در سیر تطور مطالعات بلاغی، افق‌های جدیدی را به روی صاحب نظران در این عرصه گشوده و میدان پژوهش را از مطالعات سنتی به کاوش‌های نوین متمایل ساخته‌است. مایکل هالیدی و رقیه حسن را از پرچم‌داران و پیش‌قراولان این دانش در عصر جدید می‌توان دانست. آنها نخستین کسانی بودند که از سطح جمله و مطالعات نحوی پا را فراتر نهاده و توانستند متون را از حیث شکل‌گیری بافتی و عوامل مؤثر بر آن، مورد مطالعه قرار داده و بُعد ارتباطی و کاربردی و اجتماعی زبان را در بستر مطالعه و پژوهش وارد سازند. این در حالی است که پیش از

این، آوا، واژه و جمله تنها موضوعات مورد پژوهش در عرصه زبان‌شناسی بودند. از جمله سطوح متعدد و متنوع دانش نوین زبان‌شناسی، بررسی مؤلفه‌های انسجام آفرین در متن است؛ که از جمله این مؤلفه‌ها، عنصر سجع در متون ادبی و معادل آن یعنی فاصله در متن قرآن است. به هر حال دانش زبان‌شناسی به طور عام و عوامل انسجام آفرین به طور خاص، در لایه‌های متعددی همچون آوایی، نحوی و واژگانی رسالت بررسی مؤلفه‌هایی که موجب یکپارچگی متون است، را برگزیده است. از آنجا که فزاینده‌گی در انسجام متن، موجبات فهم دقیق و خالی از ابهام و مانایی آن در ذهن می‌شود و از سوی دیگر، قرآن که انسان، یگانه موضوع و مخاطب اوست و هدفی جز تأثیر بر ثقل وجودی‌اش برای قدم نهادن و استقامت در مسیر کمال تا استحصال مطلوب را ندارد، بیشترین بهره را از این عنصر در سطوح مختلف برده است. یکی از این عناصر، همان فاصله یا سجع است که می‌توان آن را نخستین مشخصه اعجازی‌اش بر شمرد. تناسب و تناغم سخن در قرآن، با اهداف ابتدایی یعنی اثبات اعجاز برای مخاطب عرب زبان که صدرنشینان محمل در این عرصه و در زمان نزول بودند و نیز پس از آن با هدف جاودانه‌ی خواندن مخاطب به خود، به عنوان باب ورود به عالم معنا و مفاهیم، به خوبی از کاربرد سجع و فاصله بهره برده تا زبان جهانی موسیقی، ابتدا فارغ از معنا حواس مخاطب را به خود جلب نماید، و پس از آن قلب او را آماده مفاهیم بلند و انسان ساز خود نماید.

سؤال اصلی در این پژوهش آن است که با توجه به نظریه علامه طباطبایی مبنی بر اینکه سوری که حروف مفتحه و مقطعه مشابه دارند، مضامین مشابهی نیز دارند (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۷-۸)؛ آیا در این سور که از آن جمله سور حوامیم است یافت موسیقی نیز مشابه است؟ آیا موسیقی رابطه معناداری با مضمون کلام دارد؟ به عبارت دیگر آیا قرآن کریم در جایی که مضامین مشابه و هم مضمون است، از موسیقی مقابری بهره برده است؟

در این بین، سور حوامیم به دلیل فواتح مشابه و به تبع آن مضامین و مفاهیم مشترک، شایسته تحقیق و تدقیق است تا همگونی بافت آوایی آن به لحاظ کاربست عنصر سجع که بخش عمده موسیقی و تنغم کلام به آن مدیون است، سنجیده شود.

شایان توجه است که تناسب آوایی، همگونی و همگنی موسیقی، ریتم و نغمه کلام در سور حوامیم ضمن حفظ تشخیص خاص آن سوره، برقرار است؛ در این میان کاربست متقارن سجع و فاصله در این سور نیز جایگاه جالب توجهی به خود اختصاص داده و به نوبه خود بار عمده این تناسب آوایی در مجموعه این هفت سوره بر عهده عنصر مذکور است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

#### پیشینه تحقیق

در رابطه با بحث بررسی انسجام، خاصه انسجام آوایی در سالهای گذشته تحقیقات متعددی صورت پذیرفته که از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

- مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمد مهدی فولادوند: از دیدگاه نظریه هالیدی و حسن»، محمدتقی زندوکیلی، محمدحسن امرایی، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث «بهار و تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۷، صص ۱ تا ۳۶».

در این مقاله نویسندگان عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی در سوره مبارکه طارق و ترجمه آقای فولادوند را از نظر معیارهای انسجام متون در نگاه هالیدی و رقیه حسن به بوته نقد و تحلیل نهاده‌اند.

- مقاله «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)»، احمد پاشازانوس، مریم نبی پور، پژوهشنامه معارف قرآنی، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۳۰، صص ۸۱ تا ۱۰۲.

در این مقاله نویسندگان گرامی به بررسی عوامل انسجام بخشی متن در سه لایه دستوری، واژگانی و پیوندی پرداخته و وجود این عناصر در سوره نبارکه زلزال را مورد بحث و فحص قرار داده‌اند.

- مقاله «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، عباس اقبالی، روح الله صیادی نژاد، محمد حسین فاضلی؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳۹۶، صص ۹۱-۱۱۰.

نویسندگان این پژوهش انسجام محتوایی و متن سوره عنکبوت را از جهت هم آیی واژگان و از جهت چگونگی ارتباط موضوعی واژگان با همدیگر با ارائه داده های آماری بررسی نموده‌اند.

- مقاله «جلوه‌های زیبایی شناسی سجع در قرآن»، حمیدرضا مشایخی، دوفصلنامه ادبیات دینی، شماره دوم، ۱۳۹۸، شماره دوم، صص ۱۲۵-۱۴۰.

این پژوهش کاربرد سجع در قرآن را پذیرفته‌است و نویسنده به کاربرد اصطلاح سجع و یا فاصله را از باب نبودن اصطلاح مناسب دیگر برای این گونه صنایع بدیع در قرآن کریم دانسته‌است و با ارائه مثالهای قرآنی به جلوه‌های سجع در قرآن پرداخته و سعی نموده‌است، امتیازات و تفاوت کاربرد آن در قرآن کریم را نسبت به کلام بشری تبیین نماید.

- مقاله «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، یونس ولیی و همکاران، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۵، صص ۶۹-۸۶.

این پژوهش به عوامل انسجام متنی سوره نوح پرداخته و سعی کرده‌است با داده‌های آماری عوامل انسجام متن را از سه جهت: واژگانی و دستوری و پیوندی تحلیل نماید.

درباره سور حوامیم از گذشته تا کنون مقالات و پایان نامه‌های متعددی به رشته تحریر در آمده‌است که از آن جمله می‌توان از پایان نامه نگارنده تحت عنوان « بررسی هماهنگی آوایی، نحوی و واژگانی سور حوامیم» به راهنمایی دکتر مسعود اقبالی اشاره نمود که در آن نویسنده، سور مذکور را در سه لایه آوایی، نحوی و واژگانی و از رهگذر سبک‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌است. همچنین نظر به وجود عناصر انسجام بخش و هماهنگی‌های جالب توجه در ابعاد مختلف زبان‌شناسی و انواع عناصر زبان‌شناسی، در این مجموعه سور، مقالات متعددی با محوریت سور حوامیم چاپ

شده و یا در دست چاپ است که از آن جمله می‌توان به مقاله « بررسی هماهنگی موسیقی کناری سور حوامیم از رهگذر سبک‌شناسی آوایی» که در پاییز و زمستان - ۱۳۹۹ شماره ۷ در نشریه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، به چاپ رسیده‌است، اشاره نمود.

وجه نوآوری مقاله حاضر آن است که اولاً تاکنون درباره انسجام آوایی و عنصر سجع سور حوامیم، تحقیقی صورت نگرفته و علاوه بر آن، چنین پژوهشی، در سوری دارای فواتح مشابه برای سنجش وجود یا عدم همگنی بافت موسیقایی به لحاظ کاربست عنصر مذکور انجام نشده‌است.

### ۱- معنای لغوی و اصطلاحی انسجام

درباره معنای لغوی انسجام آمده‌است: «انسجام به معنای ریختن، جاری شدن و تداوم باران و مانند آن می‌باشد» (ابن منظور، ۲۰۰۵: ۱۷۶۲/۲). معنای اصطلاحی انسجام نیز بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست. «انسجام به مناسبت‌های معنایی اشاره دارد که به کلام وحدت و یکپارچگی می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه جملات جداگانه و نامربوط جدا می‌کند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۶۳) که به نوعی همان تداوم و الصاق قبل به بعد که در معنای لغوی آن نهفته‌است را با خود به همراه دارد. «متن از واژه‌های لاتین به معنای بافت گرفته شده‌است و مجموعه‌ای منسجم و پیوسته از جملات را به ذهن متبادر می‌کند؛ اما واقعیت جز این است. متن یک نکته زبان است که می‌تواند کامل یا ناقص باشد و شامل یک یا بیش از یک واحد معنایی است» (گرین، ۱۳۸۳ش: ص ۳۲). قسم آخر عبارت پیشین، بیانگر آن است که در متن باید بین جملات روابط معنایی برقرار باشد تا آن را از مجموعه‌ای از جملات و کلماتی که به صورت تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند، جدا سازد.

هالیدی و حسن دو پژوهشگر عرصه زبان‌شناختی هستند که در پژوهش‌های خود، به روابط معنادار بین این جملات، تحت عنوان «انسجام متنی» پرداخته‌اند. بر اساس نظریه آنها، ممکن است درجه انسجام متن کم یا زیاد باشد، ولی یک گفتار، زمانی متن نامیده می‌شود که هم انسجام صوری و هم پیوستگی معنایی داشته باشد. هالیدی و حسن عقیده دارند که انسجام ناشی از عناصری است که جزء نظام زبان هستند» (رک: لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۳۰). نظام سازمان یافته زبان، مجموعه‌ای از عناصر متعدد بوده و عوامل متنوعی در بحث انسجام بخشی به یک متن دخیل هستند که از جمله عوامل انسجام بخش صوری می‌تواند عنصر سجع و فاصله باشد و در خدمت پیوستگی معنایی قرار بگیرد.

از نظر «هالیدی» و «حسن» انسجام همان روابط معنایی و ساختار و بافت یک متن و ارتباط کلمات با یکدیگر از جهت ارتباط با قبل و یا بعد از خود است و عوامل انسجامی، مجموعه‌ای از روابط نحوی و واژگانی است که یا جملات را به هم ربط می‌دهد یا بین اجزای یک جمله ارتباط برقرار می‌کند» (هالیدی و حسن، ۱۹۹۳م: ص ۴). در واقع انسجام، ارتباط ساختاری و عناصر درون متن است که به واسطه آن متن یکدست و معنادار می‌شود؛ به گونه‌ای که انتقال معنا به مخاطب و مانایی آن در ذهن وی، رابطه‌ای تنگاتنگ با آن دارد. از نظر ادبای عرب همچون سعد مصلوح «انسجام، معیاری

است که از ارتباط درونی بین کلمات و مفاهیم داخل متن حاصل می‌شود پیوستگی مفاهیم و ارتباط آنها و اتصال جملات را مورد بررسی قرار می‌دهد» (مصلوح، ۱۹۹۱م: ص ۱۵۴).

به طور کلی می‌توان گفت: انسجام، همان روابط معنایی است که سبب الصاق و ارتباط بین اجزای متن می‌شود و موجد همبستگی معنایی شده، به طوری که مخاطب، متن را یک کل واحد و یکپارچه می‌یابد.

از نظر هالییدی و حسن عناصر و ابزارهای موجد انسجام متون، شامل سه دسته واژگانی، دستوری و معنایی یا پیوندی است. «گفتمان کاربرد زبان در سطحی بالاتر از جمله و یا بند است و مطالعه گفتمان، مطالعه جنبه‌های مختلف کاربرد زبان به شمار می‌رود» (فر کلاف، ۱۳۷۹ش، ص ۵). از نظر او، گفتمان، چه نوشتاری باشد چه گفتاری، همانند کارکرد اجتماعی است؛ که این خود به نوعی اهمیت گفتمان و به تبع آن، انسجام متون را می‌رساند.

## ۲- انسجام آوایی

متن و گفتار، هویت و وجود شان در وهله اول مولود و وابسته واج است؛ از این رو واکاوی و آوا شناسی عرصه وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد. این وجود و هویت مبتنی بر آوا و نیز نقش بی بدیل موسیقی در رسایی و گیرایی متن، نمی‌تواند منفک از انسجام آوایی باشد و نقش آواها در انسجام بخشی به متن نیز انکارناپذیر است. درست به همین دلیل خداوند در قرآن، کلامش را بر اساس این مهم، به احسن وجه و در حد کمال پی‌ریزی کرده تا سروش و حیانی‌اش در نخستین مواجهه، توجه مخاطب را با هر رنگ و نژاد و زبانی به خود معطوف دارد و پس از آن، و به طرز اعجاز گونه و اعجاب‌انگیزی، بازگشت به خود و انگیختن حالات معنوی را در مخاطب، تسهیل و میسر سازد. از جمله ویژگی‌های بافت سخن در قرآن، وجود سجع یا همان فاصله است که به خوبی در خدمت انتقال معانی قرار گرفته‌است. بار تناغم و تناسق در قرآن که بارزترین و نخستین ویژگی آن به شمار می‌رود، به طور عمده بر دوش همین عنصر فاصله است. «سجع به همراه دیگر عناصر دستوری و واژگانی انسجام در ایجاد نوعی یکپارچگی و وحدت متنی مشارکت دارد. پایانه‌های مشابهت که سجع می‌سازد، بدان پشتوانه آوایی می‌دهد که یک ابزار قوی اقناعی محسوب می‌شود. به‌ویژه اگر بین این دو کلمه، رابطه آوایی برقرار باشد. آوردن سجع زمینه‌ای را برای نویسنده فراهم می‌سازد تا غنای واژگانی خود را نمایان سازد» (فرج، ۲۰۰۷م: ۱۱۶-۱۱۸). بُعد آوایی قرآن، نخستین وجه انسجام‌آفرین آن است که هر مخاطبی آن را درک می‌نماید؛ از این رو بسیار درخور توجه و حائز اهمیت است. هر سوره در قرآن، تشخیص آوایی خاص خود را دارد که در ضمن ایفای نقش در کنار سایر سوره‌ها، از لحاظ موسیقایی، از آنها نیز متمایز است. همین مسأله می‌تواند به نوبه خود بیانگر و نمایانگر آن باشد که هر سوره ضمن آنکه غرضی خاص را پیگیری می‌نماید، از موسیقی متناسب آن غرض و لحن کلام درخور با آن کلام بهره می‌برد. یکی از عناصر مهم در این عرصه، عنصر سجع و فاصله است که در هر سوره جایگاه ویژه و متمایزی را داراست. برای مثال در سوره مبارکه مریم عموماً پایان آیات به الف ختم می‌شود و در

سوره ناس آیات به حرف سین مختومند. پس همان‌طور که هر یک از این دو سوره غرض خاصی را دنبال می‌کنند، موسیقی آنها نیز با هم متفاوت است.

### ۳- بررسی دیدگاهها درباره حروف مقطعه

حروف مقطعه از آن جهت بدین نام موسوم گشته‌اند که هنگام قرائت لازم است به صورت جدا جدا خوانده شوند. هر چند که در کتابت برخی سرهم نوشته می‌شوند. (معرفت، ۱۳۸۱ش: ۳۳۴).

۲۹ سوره از سوره‌های قرآن کریم با حروف مقطعه آغاز شده‌است. درباره اینکه معنا و مدلول حروف مقطعه چیست و حکمت شروع این سوره‌های قرآنی با حروف مقطعه چه بود است میان اندیشمندان و مفسران قرآنی آرای متفاوتی ارائه شده‌است.

برخی این حروف را از رموزات غیر قابل درک و غیبی قرآن دانسته‌اند و معتقدند که این حروف از اسرار ناگشودنی قرآنند و یا اینکه از تشابهات است و علم آن را خداوند به خود اختصاص داده‌است و جز خداوند کسی تأویل آنها را نمی‌داند. عده‌ای حکمت این کاربرد را تأکید خداوند بر تشکیل قرآن از همین حروف ساده دانسته‌اند تا معاندان را دعوت کند که اگر شما هم می‌توانید با کمک همین حروف چیزی مانند قرآن بیاورید. عده‌ای دیگر بر این باورند که این حروف رموزی از اسمای اعظم الهی‌اند و می‌گویند که خداوند با این حروف به نام خود سوگند خورده‌است. از دیگر نظرات مطرح شده در این باب آن است که گروهی این حروف را از نام‌های قرآن دانسته‌اند. (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱-۱۱۲، طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۶۹/۱۸؛ مرکز الثقافه و المعارف القرآنی، ۱۳۷۴ش: ص)

احتمال دیگری که رابطه مستقیمی با موضوع پژوهش نیز دارد، دیدگاهی است که به وجود ارتباط میان سوره‌هایی که با حروف مقطعه مشابه آغاز شده‌اند، اشاره می‌کند. براساس این دیدگاه مضمون سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند به یکدیگر شبیه بوده و در سوره‌هایی که حروف مقطعه آنها از یک نوع است شباهت بیشتر و اغراض کاملاً به هم نزدیکند. علامه طباطبایی این دیدگاه را طرح نموده و نوشته‌است: «چنان چه در سوره‌هایی که با حروف مقطعه افتتاح شده تدبیر شود؛ مانند «الم» ها، «الر» ها، «طس» ها و «حم» ها، هر آینه می‌یابی که این سوره‌ها از حیث محتوا مشابه یکدیگرند، سیاق آنها یکنواخت است. لذا ممکن است حدس زده شود که میان این حروف و محتوای سوره‌های مربوطه رابطه‌ای وجود دارد. مثلاً سوره اعراف به «المص» مصدر گشته، شاید جامع بین محتوای سوره‌ها «الم» و سوره «ص» باشد». (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۷۹/۱۸)

### ۳-۱- نقد و بررسی

دیدگاهی که حروف مقطعه را رمز ناگشودنی و یا از تشابهات می‌داند که خداوند علم آن را به خود اختصاص داده‌است؛ با آیات تدبیر (نساء/۸۲، ص/۲۹، محمد/۲۴) و آیات تحدی (بقره/۲۳، یونس/۳۸، هود/۱۳ و طور/۳۴، اسراء/۸۸) در تعارض است چون آیاتی که غیر قابل فهم باشد نمی‌توان در آنها تدبیر نمود و با هم‌وردی قرآن سازگار نیست. برخی دیدگاه را

باید معنای باطنی و تأویلی این حروف دانست. بنابراین دیدگاهی که حروف مقطعه را اسم اعظم الهی می‌داند و یا رمز میان خدا و رسولش معرفی می‌کند. از آن جهت که قرآن کریم ظاهری دارد و باطنی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۹۷/۸۹) می‌توان این دیدگاه را مربوط معنای باطنی و تأویلی آیات قرآن دانست نه معنای ظاهری و تفسیری. بنابراین تعارضی با دیدگاههای دیگر نخواهد داشت و قابل پذیرش است.

از میان دیدگاههای مطرح شده دو دیدگاه قابل تأمل و بررسی است: یکی مربوط به تحدی قرآن کریم است؛ یعنی سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌گردد بعد از آن، از کتاب و قرآن و مبدأ نزول وحی، سخن رفته‌است. یعنی خداوند متعال از حروف تهجی کلمات و جملات و آیات قرآن را به وجود آورده‌است در حالی که همین حروف در دسترس بشر هست و او نمی‌تواند همتای آن را بیاورد و یارای مقابله و معارضه با آن را ندارد.

دیدگاه دیگر، دیدگاه علامه طباطبایی است که از تشابه و هم نوع بودن حروف مقطعه در مطلع برخی سوره‌ها مشابَهت مضمون و مقاصد و محتوای آنها را نتیجه گرفته‌است. براساس این دیدگاه چون سوره حوامیم نیز دارای مطلع مشابه و همگون هستند؛ اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌نماید که در صدد بررسی انسجام آوایی و کاربرد انواع سجع در این سوره می‌باشد.

#### ۴- معرفی اجمالی سوره حوامیم

در قرآن کریم هفت سوره وجود دارد که با حروف مقطعه «حم» آغاز شده‌اند که عبارتند از: مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه و احقاف.

با در نظر گرفتن آیات ابتدایی این سوره این نکته حاصل می‌شود که علت نامگذاری این هفت سوره به «حوامیم» مُصدّر بودن این سوره با حروف مقطعه «حم» است. به مجموع این سوره‌ها ذوات حم یا آل حم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۹۷) و حامیمات (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷ش: ج ۲، صص ۱۲۴۹-۱۲۵۰) نیز گفته‌اند. این هفت سوره، جزء سوره‌های مکی هستند و ترتیب نزولشان همان ترتیب مصحف است (زرکشی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۹۳) و حتی نزول آنها را یکجا دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۸ق: ص ۱۱۸).

«سوره حوامیم» را حوامیم سبعة، تاج القرآن، لباب القرآن، ثمره القرآن، دیباج القرآن، دیباج القرآن، ریاحین القرآن، یاسمین العرائس و ریاض الجنه نیز می‌نامند. (سیوطی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۰۱). سوره حوامیم معروف به عرائس قرآن می‌باشند (سخاوی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۸۹) و انس از پیامبر (ص) نقل کرده، که فرمودند: «حوامیم دیباج قرآن می‌باشند» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۸، صص ۷۹۷-۷۹۸). همچنین از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند: «برای هر چیزی میوه‌ای است و میوه قرآن حوامیم می‌باشند. حوامیم باغ‌های نیکوی سر سبز و نزدیک به هم هستند و هر کس می‌خواهد در باغ‌های بهشت گردش کند، حوامیم را بخواند» (رازی، ۱۳۶۵ش: ج ۷، ص ۱۲).

این هفت سوره ویژگی‌های مشترکی دارند. در این سوره‌ها بلافاصله بعد از حروف مقطعه درباره وحی و تنزیل قرآن کریم سخن به میان آمده‌است. برخی مفسران بر این باورند که این خصیصه مشترک و هم چنین همگونی این سوره‌ها از حیث بافت و مشابهت آن‌ها از حیث حجم موجب تشابه و پیوستگی آن‌ها شده‌است و در نتیجه این سوره‌ها به صورت متوالی در پی هم آمده‌اند (سیوطی، ۲۰۰۰م:ص ۱۱۰).

## ۵- سجع

سجع (Sajic) یا تسجیع (Tasjic) در لغت به معنی آواز کبوتر و فاخته است و به عبارت دیگر همان سجع الطیر «بانگ کبوتر» است. (دسوقی، ۱۳۰۷ق: ۱۸۷). کلمات موزون و دارای وزن یکسان را به بانگ یکنواخت کبوتر و قُمُری تشبیه کرده‌اند، علت نامگذاری آن را می‌توان به خاطر حلاوت آهنگ و زیبایی موسیقی دانست. سجع در علم بدیع عبارت است از آوردن دو واژه، که در وزن و روی یا یکی از این دو برابر باشند. پس سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها، در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند و جمع آن اسجاع است و آرایه سجع در کلامی دیده می‌شود که حداقل دو جمله باشد؛ زیرا سجعها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایه سجع آفریده شود. (طاهرخانی، ۱۳۸۳ش: ۸۳)

«سجع از لحاظ واژگانی به صوتی اطلاق می‌شود که آهنگین و موزون باشد» (القزوینی الرازی، ۱۳۹۹ق: ج ۳، ص ۱۳۵). البته گاهی هم به معنای اسم مفعول به کار رفته و به کلمه پایانی فقره (قطعه‌ای از کلام که جفت و همتای قطعه‌ای دیگر قرار داده شده است) به اعتبار موافق بودنش با کلمه آخر فقره دیگر اطلاق می‌شود. فاصله نیز کلمه پایانی هرآیه است. سجع در نثر مانند قافیه در شعر است که به نثر آهنگ ویژه‌ای داده، آن را به نظم نزدیک می‌سازد، اما وزن عروضی آن را دارا نیست. آرایه سجع زمانی پدید می‌آید که سجع‌ها در پایان دو جمله به کار روند و آهنگ آن دو را به هم نزدیک سازند، درست مانند قافیه که در پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها می‌آید. در فواصل قرآن کریم فواصل بر پایه وقف استوار است» (زرکشی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۶۹-۷۱).

«سجع زمانی نیکوست که کلمات آن زیبا و الفاظ در خدمت معانی و دور از تکلف و پیچیدگی باشد» (هاشمی، ۱۴۲۵ق: ص ۴۱۹) و هماهنگی حاصل از سجع هنگامی پدید می‌آید که در پایان جمله‌ها وقف شده، حرکت‌ها آشکار نگردد. از این روست که حرکت‌های پایانی در بسیاری از فواصل با هم فرق دارد.

سجع از جمله برجستگی‌های بلاغی یک متن به شمار می‌رود که شور واژگان را چنان گرداگرد حواس مخاطب به طرب در می‌آورد که مخاطب چاره‌ای جز همنوایی با هارمونی واژه‌ها و دلداگی به معنای آنها نخواهد داشت. عرب که خود را ارباب ادب می‌دانست، از این ظرفیت ویژه ادبی بهره وافر می‌برد و متون و خطبه‌های خود را با آن می‌آراست. پیدایش سجع در آن زمان، گویای شکوفایی لغت عرب است. قرآن کریم هم در پاسخ به این شوق طبیعی و نیاز درونی عرب به موسیقی لفظ و آهنگین بودن آن و نیز در هم‌آوردی با ادیان عصر، از موسیقی جانفزای سجع استفاده کرد.



قد است ساحت قرآن و تفاوت بنیادین آن با شعر و نثر سبب شده است تا ادبا و متخصصان فن بلاغت به طور اختصاصی و به منظور احترام به جای سجع از واژه «فواصل» استفاده نمایند. «فاصله را فاصله می‌نامند؛ زیرا آن، دو سخن را از هم جدا می‌سازد. فاصله زمان استراحت (مکث) در سخن گفتن است و به زیبا جلوه دادن کلام می‌افزاید» (زرکشی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۵۴).

فاصله به عنوان یکی از اجزای ساختاری قرآن هم از نظر ایجاد آهنگ و موسیقی خاص و هم از نظر ایجاد هماهنگی میان لفظ و معنا بر ذهن و اندیشه مخاطبین، نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا می‌کند. فاصله، به معنی آخرین کلمه در آیات قرآن است و همانند قافیه در شعر و سجع در نثر می‌باشد. میان فواصل قرآن ارتباطی تنگاتنگ حکم فرماست و «جا به جایی در آن ترکیب معانی و آهنگش را دچار اختلال می‌کند و باعث انفصال آیات از یکدیگر می‌گردد» (همان، ج ۳، ص ۲۳۴).

#### ۵-۱- بررسی انواع سجع

دانشمندان علوم بلاغت سجع را به گونه‌های مختلف تقسیم می‌کنند که مشهور آن سه نوع است: سجع مطرف، سجع متوازن و سجع متوازی.

۵-۱-۱- سجع مطرف: هو ما اخلفت فاصلتاه فی الوزن، و اتفقتا فی التّفقیة (سیوطی، ۱۳۷۸ق: ۲/۲۰۴؛ معرفت، بی تا: ۲۱۸/۵؛ خطیب قزوینی، بی تا، ۲۹۶) سجع مطرف آن است که دو کلمه در وزن مختلف و در حرف روی (قافیه) یکسان باشند. «ما لکم لا ترجون لله وقاراً \* و قد خلقکم أطواراً» در این آیات واژگان «وقاراً» و «أطواراً» سجع مطرف است که در وزن مختلف و در قافیه مثل هم هستند. (نوح/۱۴-۱۳)

۵-۱-۲- سجع متوازن: و المتوازن: أن يتفقا فی الوزن دون التّفقیة. «سجع متوازن آن است که در وزن متفق و در حرف روی مختلف است» (سیوطی، ۱۳۷۸ق: ۲/۲۰۴؛ الهاشمی، ۱۴۲۵ق: ۳۵۱؛ معرفت، بی تا: ۲۱۸/۵) برای نمونه در قرآن کریم آمده است: «و نمارق مصفوفة \* و زرابی مبهوثة» در این آیات واژگان «مصفوفة» و «مبهوثة» در وزن هماهنگ و اما در حرف آخر «قافیه» یکسان نیستند. (غاشیة: ۱۶-۱۵)

۵-۱-۳- سجع متوازی: هو ما اتفقت فی الفقرتان فی الوزن و التّفقیة. (سجع متوازی آن است که در آن کلمات در وزن و حرف روی هر دو موافق هم باشند.. برای نمونه در آیات قرآن کریم آمده است: « فیها سرر مرفوعة \* و اکواب موصوعة» در این آیات کلمات «مرفوعة» و «موصوعة» هم در وزن و هم در قافیه همسان هستند. (الغاشیة: ۱۴-۱۳)

اندیشمندان و ادیبان سجع متوازی را نیکوترین و شریفترین نوع سجع نام برده‌اند. ( معرفت، بی تا: ۲۱۸/۵؛ عتیق، عبد‌العزیز، بی تا: ۲۲۰)؛ زیرا هم وزن عروضی مشابهی دارد و هم حرف روی یکسان و همانند.

## ۵-۲- بررسی سجع در قرآن کریم

برخی ادیبان وجود سجع در آیات قرآن کریم را منکر شده‌اند؛ رمانی می‌گوید: فواصل قرآن، سجع نیست و به عقیده او قرآن برتر از آن است که سجع داشته باشد، «باقلانی» نیز در «اعجازالقرآن» گفته‌است: اگر در قرآن سجع باشد دیگر قرآن معجزه نخواهد بود چون اگر جایز بدانیم وجود سجع در قرآن معجزه باشد باید گفته شود که شعر نیز معجزه است در حالی که شعر بودن قرآن نفی شده‌است (باقلانی، ۱۴۲۱ ه.ق: ۴۹) اما ابن اثیر جزری، ابوهلال عسکری و ابن سنان خفاجی و اندیشمندان دیگر عرصه علوم بلاغت سجع در قرآن کریم را پذیرفته‌اند و آن را یکی از محسنات لفظی در قرآن می‌شمارند. ابن اثیر وجود سجع در برخی سوره‌های قرآن مثل سوره‌های قمر و الرحمان را پذیرفته‌است (رک: ابن اثیر، ۱۹۹۵م: ۲۷۱/۱) ابوهلال عسکری وجود سجع در سرتاسر قرآن کریم را پذیرفته‌است (عسکری، بی تا: ۲۷۰) ابن سنان خفاجی دلایل مخالفان سجع در قرآن کریم را رد نموده و گفته‌است: هر یک از سجع و فاصله دو گونه است یا تابع معناست و یا بر خلاف معنا که اولی مورد پسند است و دومی مذموم. تمام موارد سجع در قرآن از موارد نیکوست چون سجع چیزی است که تابع معناست (ابن سنان خفاجی، بی تا: ۱۷۳) بنابراین چون این گونه محسنات لفظی در قرآن کریم تابع معنا و محتوای کلام است کاربرد آن در آیات قرآن کریم نیکو خواهد بود. در این پژوهش علاوه بر انسجام آوایی و کاربرد انواع سجع به برخی موضوعات و مضامین مشترک سوره مورد نظر نیز پرداخته خواهد شد.

شایان ذکر است در عربی بنای سجع بر ساکن بودن آخر کلمه است، زیرا که اگر اعتبار سکون نکنیم، سجع حاصل نمی‌شود (موسوی فندرسکی، ۱۳۸۱ش: ص ۱۵۱). «یعنی این صنعت در قرآن کریم بر پایه وقف استوار است و هماهنگی حاصل از سجع هنگامی پدید می‌آید که در پایان جمله‌ها وقف شده، حرکت‌ها آشکار نگردد. از این روست که حرکت‌های پایانی در بسیاری از أسجاع با هم فرق دارند» (خرقانی، ۱۳۷۵ش: صص ۲۵-۵۵).

## ۵-۲-۱- سجع در سوره حوامیم

این سوره‌های بی مثال الهی نیز همانند سایر سوره قرآن کریم میان موزونی شعر و فراغ بال واژگان در نثر را جمع کرده و با خلق و ابداع سبکی نو، اسلوبی بی بدیل از واژگان و معانی طرح‌ریزی نموده‌است. آنچه کاملاً آشکار و پذیرفتنی است، همگونی بسیاری از آیات این مجموعه سوره از نظر وزن و حرف آخر یا یکی از این دو در کلمات پایانی هر آیه است و این در بسیاری موارد با آنچه در نثر به عنوان سجع مطرح است سازگاری دارد که در ادامه به نمونه‌های آن در قالب انواع سجع به کار رفته در آیات سوره حوامیم اشاره خواهد شد.

الف) مطرف: «در این نمونه سجع، الفاظ در حرف روی یکی و در وزن عروضی مختلف می‌باشند» (الخطیب القزوینی، بی‌جا: ص ۲۹۶)

در اولین سوره (غافر) از این مجموعه سور در چندین آیه شاهد سجع مطرف هستیم که به عنوان نمونه چند شاهد مثال در ادامه ارائه خواهد شد:

{حَسَابُ} (۲۷) {كَذَّابُ} (۲۸) {أَحْزَابُ} (۳۰)

همچنین در آیات زیر شاهد این نوع سجع هستیم:

{عِبَادُ} (۳۱) {تَنَادُ} (۳۲) {هَادُ} (۳۳)

{يَعْلَمُونَ} (۵۷) {تَتَذَكَّرُونَ} (۵۸) {يُؤْمِنُونَ} (۵۹) {دَاخِرِينَ} (۶۰) {يَشْكُرُونَ} (۶۱) {تُؤْفَكُونَ} (۶۲) {يَجْحَدُونَ} (۶۳)  
 {عَالَمِينَ} (۶۴) {عَالَمِينَ} (۶۵) {عَالَمِينَ} (۶۶) {تَعْقِلُونَ} (۶۷) {فَيَكُونُ} (۶۸) {يُصْرَفُونَ} (۶۹) {يَعْلَمُونَ} (۷۰) {يُسْجَبُونَ} (۷۱)  
 {يُسْجَرُونَ} (۷۲) {تُشْرِكُونَ} (۷۳) {كَافِرِينَ} (۷۴) {تَمْرَحُونَ} (۷۵) {مُتَكَبِّرِينَ} (۷۶) {يُرْجَعُونَ} (۷۷) {مُبْطَلُونَ} (۷۸) {تَأْكُلُونَ} (۷۹)  
 {تَحْمَلُونَ} (۸۰) {تُنْكِرُونَ} (۸۱) {يَكْسِبُونَ} (۸۲) {يَسْتَهْزِءُونَ} (۸۳) {مُشْرِكِينَ} (۸۴) {كَافِرُونَ} (۸۵)

در دومین سوره از مجموعه سور حوامیم یعنی سوره فصلت نیز نمونه‌هایی از این نوع سجع به چشم می‌خورد که به عنوان نمونه از هر سوره به ذکر مواردی خواهیم پرداخت:

{يَسْمَعُونَ} (فصلت: ۴) {عَامِلُونَ} (فصلت: ۵) {مُشْرِكِينَ} (فصلت: ۶) {كَافِرُونَ} (فصلت: ۷) {مَمْنُونُ} (فصلت: ۸)  
 {عَالَمِينَ} (فصلت: ۹) {سَائِلِينَ} (فصلت: ۱۰) {طَائِعِينَ} (فصلت: ۱۱) {كَافِرُونَ} (فصلت: ۱۲) {يَجْحَدُونَ} (فصلت: ۱۵)  
 {يُنصَرُونَ} (فصلت: ۱۶) {يَكْسِبُونَ} (فصلت: ۱۷) {يَتَّقُونَ} (فصلت: ۱۸) {يُوزَعُونَ} (فصلت: ۱۹) {يَعْمَلُونَ} (فصلت: ۲۰) و...  
 سوره مبارکه شوری همچون سایر سور قرآنی از این آرایه ادبی بی‌نصیب بوده و نمونه‌هایی از این صنعت ادبی در سوره مشهود است که در ادامه نمونه‌هایی از این نوع سجع بیان خواهد شد: {كَبِيرٌ} (شوری: ۲۲) {شَكُورٌ} (شوری: ۲۳)  
 {صُّدُورٌ} (شوری: ۲۴) {بَصِيرٌ} (شوری: ۲۷) {يَتَوَكَّلُونَ} (شوری: ۳۶) {يَغْفِرُونَ} (شوری: ۳۷) {يَنْفِقُونَ} (شوری: ۳۷)  
 {يَنْتَصِرُونَ} (شوری: ۳۸)

سوره زخرف: {مَبِينٌ} (زخرف: ۲) {تَعْمَلُونَ} (زخرف: ۳) {مُسْرِفِينَ} (زخرف: ۵) {أُولَئِكَ} (زخرف: ۶)  
 {يَسْتَهْلِكُونَ} (زخرف: ۷) {أُولَئِكَ} (زخرف: ۸)

همچنین در آیات و بعد با گذر از چند آیه مجدداً این نوع سجع مشهود است:

{تَهْتَدُونَ} (زخرف: ۱۰) {تَخْرَجُونَ} (زخرف: ۱۱) {تُرَكَّبُونَ} (زخرف: ۱۲) {مُقَرَّبِينَ} (زخرف: ۱۳) {لَمُنْقَلِبُونَ} (زخرف: ۱۴)  
 {مُبِينٌ} (زخرف: ۱۵) {بَنِينَ} (زخرف: ۱۶)

{مُبِين} (زخرف: ۱۸) {يُسَالُونُ} (زخرف: ۱۹) {يَخْرُصُونَ} (زخرف: ۲۰) {مُسْتَمْسِكُونَ} (زخرف: ۲۱) {مُهْتَدُونَ} (زخرف: ۲۲) {مُقْتَدُونَ} (زخرف: ۲۳) {كَافِرُونَ} (زخرف: ۲۴) {مُكَذِّبِينَ} (زخرف: ۲۵) {تَعْبُدُونَ} (زخرف: ۲۶) {سَاهِدِينَ} (زخرف: ۲۷) {يُرْجَعُونَ} (زخرف: ۲۸) {مُبِين} (زخرف: ۲۹) {كَافِرُونَ} (زخرف: ۳۰)

سوره دخان هم به نحو شایسته‌ای از این صنعت ادبی استفاده برده است و همین موضوع نیز موجبات تناغم را به اندازه خود فراهم آورده است. مانند سجع در آیات زیر:

{مُوقِنِينَ} (دخان: ۷) {أُولَئِينَ} (دخان: ۸) {يَلْعَبُونَ} (دخان: ۹) {مُبِين} (دخان: ۱۰)  
و همچنین: {مُؤْمِنُونَ} (دخان: ۱۲) {مُبِين} (دخان: ۱۳) {مَجْنُون} (دخان: ۱۴) {عَائِدُونَ} (دخان: ۱۵) {مُتَّقِمُونَ} (دخان: ۱۶) و ...

سوره جاثیه هم به نحو درخور توجهی از این آرایه ادبی بهره برده است. به آیات زیر دقت کنید: {مُؤْمِنِينَ} (جاثیه: ۳) {يُوقِنُونَ} (جاثیه: ۴) {يَعْقِلُونَ} (جاثیه: ۵) {يُؤْمِنُونَ} (جاثیه: ۶) و {تَشْكُرُونَ} (جاثیه: ۱۲) {يَتَفَكَّرُونَ} (جاثیه: ۱۳) {يَكْسِبُونَ} (جاثیه: ۱۴) {تُرْجَعُونَ} (جاثیه: ۱۵) {عَالَمِينَ} (جاثیه: ۱۶) {يَخْتَلِفُونَ} (جاثیه: ۱۷) {يَعْلَمُونَ} (جاثیه: ۱۸) {مُتَّقِينَ} (جاثیه: ۱۹) و ...

سوره احقاف به عنوان آخرین سوره از مجموعه سور حوامیم نیز با توجه به بافت همگون سور مذکور، از این آرایه بی حظ و بهره نیست. آیاتی از باب نمونه در ادامه ارائه می‌شود: {مُعْرِضُونَ} (احقاف: ۳) {صَادِقِينَ} (احقاف: ۴) {غَافِلُونَ} (احقاف: ۵) {كَافِرِينَ} (احقاف: ۶) {مُبِين} (احقاف: ۷)

ب) متوازن: «سجع متوازن که به سجع مرصع نیز مشهور است در وزن متفق و در حرف روی مختلف است» (الهاشمی، ۱۴۲۵ق: ص ۳۵۱)

حال به بیان چند نمونه از این نوع سجع در سور حوامیم می‌پردازیم. در سوره مبارکه غافر در چندین آیه سجع متوازن به کار رفته است که به نوبه خود، با ایجاد تنوع و تناغم در متن موجبات سرور خاطر مخاطب و در نتیجه دلدادگی به معنا را تا سرحد ممکن فراهم نموده است. مانند:

{عَلِيم} (غافر: ۲) {مَصِير} (غافر: ۳)

{بِلَاد} (غافر: ۴) {عِقَاب} (غافر: ۵)

{سَبِيل} (غافر: ۱۱) {كَبِير} (غافر: ۱۲)

{ضَلَال} (غافر: ۲۵) {فَسَاد} (غافر: ۲۶)

{كَذَّاب} (غافر: ۲۸) {رَشَاد} (غافر: ۲۹) و ...

در سوره فصلت هم سجع متوازن نقش تعیین کننده‌ای در کشش مخاطب به خواندن و گوش جان سپردن به آیات الهی را ایفا می‌کند. مانند:

(بَصِيرَة) (فصلت: ۴۰) (عَزِيزَة) (فصلت: ۴۱) (حَمِيْدَة) (فصلت: ۴۲) (اَلِيْمَة) (فصلت: ۴۳) (بَعِيْدَة) (فصلت: ۴۴) (مُرِيْبَة) (فصلت: ۴۵) (عَبِيْدَة) (فصلت: ۴۶) و ... .

در سوره شوری نیز از این آرایه ادبی برای پیشبرد اهداف الهی که همانا هدایت بشر و تأثیر نهادن بر او است در حد لزوم استفاده شده‌است. مانند: (وَكَيْلَة) (شوری: ۶) (سَّعِيْرَة) (شوری: ۷) (بَصِيْرَة) (شوری: ۱۱) (عَلِيْمَة) (شوری: ۱۲) (مَصِيْرَة) (شوری: ۱۵) (شَدِيْدَة) (شوری: ۱۶) (قَرِيْبَة) (شوری: ۱۷) (بَعِيْدَة) (شوری: ۱۸) (عَزِيزَة) (شوری: ۱۹) (نَصِيْبَة) (شوری: ۲۰) (اَلِيْمَة) (شوری: ۲۱) (كَبِيْرَة) (شوری: ۲۲)

در سوره زخرف تنها یک بار این نوع سجع به کار برده شده‌است:

(بِنِيْنَة) (زخرف: ۱۶) (كَطِيْمَة) (زخرف: ۱۷)

در سوره مبارکه دخان نیز تنها یک مورد استعمال شده‌است:

(كَرِيْمَة) (دخان: ۱۷) (اَمِيْنَة) (دخان: ۱۸)

در سوره احقاف موردی وجود نداشت.

**ج) متوازی:** سجع متوازی آن است که در آن کلمات در وزن و حرف روی هر دو مطابق باشند. این نوع سجع زیباترین و متنعم ترین موسیقی را داراست و توازن آن به سرحد کمال رسیده‌است؛ زیرا که هم وزن عروضی مشابهی دارد و هم حرف روی یکسان و همانند(رک: <https://esfandiariabuzar.ir/riming-prose>). قرآن از این نوع سجع در راستای القای معنا از رهگذر سهولت و دلچسب بودن آیات بهره وافر برداشته که سور حوامیم نیز این قاعده مستثنی نبوده و این نوع سجع در چپش بی نظیر آیاتش سهمی قابل توجه دارد. فواصل زیر نمونه‌هایی از این نوع سجع در سور حوامیم می باشد؛ سوره غافر: (جَحِيْمَة) (غافر: ۸) (حَكِيْمَة) (غافر: ۹) (عَظِيْمَة) (غافر: ۱۰) (يُسْحَبُوْنَ) (غافر: ۷۱) (يُسْجَرُوْنَ) (غافر: ۷۲)

سوره فصلت: (يَعْلَمُوْنَ) (فصلت: ۳) (يَسْمَعُوْنَ) (فصلت: ۴) و همچنین: (سَّائِلِيْنَ) (فصلت: ۱۰) (طَائِعِيْنَ) (فصلت: ۱۱)

(يَعْمَلُوْنَ) (فصلت: ۲۷) (يَجْحَدُوْنَ) (فصلت: ۲۸) و ... . نمونه‌هایی از سجع متوازی در سوره شوری: (حَكِيْمَة) (شوری: ۳)

(عَظِيْمَة) (شوری: ۴) (رَحِيْمَة) (۵) (سَّعِيْرَة) (شوری: ۷) (نَصِيْرَة) (شوری: ۸) (قَدِيْرَة) (شوری: ۹)

سوره دخان: (كَرِيْمَة) (دخان: ۱۷) (اَمِيْنَة) (دخان: ۱۸) (حَمِيْمَة) (دخان: ۴۶) (جَحِيْمَة) (دخان: ۴۷) (حَمِيْمَة) (دخان: ۴۸)

(كَرِيْمَة) (دخان: ۴۹)

در سوره مبارکه جاثیه نیز تنها یک مورد سجع متوازی استفاده شده‌است: (اَثِيْمَة) (جاثیه: ۷) (اَلِيْمَة) (جاثیه: ۸)

در سوره احقاف یک مورد از سجع متوازی یافت شد. ﴿يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف: ۱۳) ﴿يَعْمَلُونَ﴾ (احقاف: ۱۴)

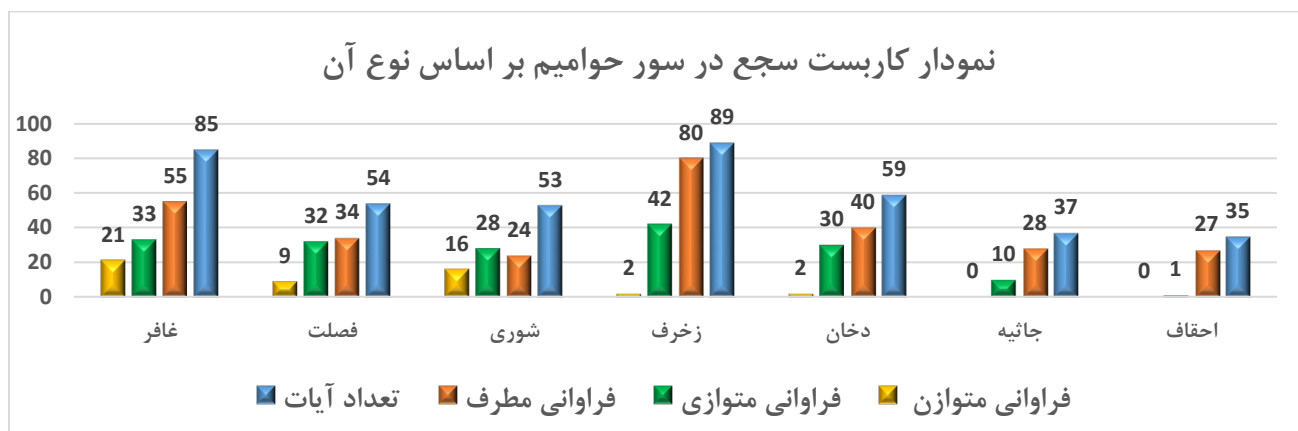
نکته قابل توجه این که از فواصل سه گانه، سجع متوازن در آیات سوره‌ی احقاف یافت نشد و در سوره‌های دخان و زخرف تنها یک بار استفاده شده است. همچنین سجع متوازی در سوره جاثیه تنها یک مورد استفاده شده است. برخی محققان بر آنند که «این قاعده در میان تمام سوره‌های مکی قرآن صدق می‌کند که بیشتر از سجع متوازی و مطرف که آهنگین‌ترین بهره برده است به طوری که در مجموع هشتاد و شش سوره‌ی مکی، سجع متوازن در بیست سوره اصلاً نیامده، و در دوازده سوره از یک مورد تجاوز نمی‌کند. در سی سوره هم بیش از شش مورد نیامده است. چنانکه در سوره‌ی بقره - که بلندترین سوره قرآن است - در حدود سی و هشت مورد سجع متوازن آمده است. اما در عوض تنها دو سوره از سوره‌های مدنی سجع متوازن ندارد. در بقیه سوره‌های این نوع سجع فراوان است. شاید علت این امر را این گونه بتوان بیان داشت، که چون آیات و سوره‌های مکی در آغاز دعوت پیامبر اکرم (ص) نازل شده است و هنوز دین اسلام رواجی نیافته بود، حرارت و انقلاب درونی پیامبر به صورت جملات کوتاه، آهنگین و مسجع و در عین حال تهدیدآمیزی درآمده است؛ تا رونق بازار کفار و اعراب جاهلی را - که به شیوه کاهنان به سجع سخن می‌راندند - دراندازد و کلامشان را در هم شکند، اما در عوض چون غالب مخاطبان آیات و سوره مدنی مسلمان و معتقد به قرآن بودند، لذا، این آیات و سوره به بیان اغراض و معانی اخلاقی و شرعی و جدلی و قصص پرداخته و سجع و قرینه سازی و توازن به دلیل محتوا کمتر لحاظ شده است. اگرچه که باز هم با سبکی هماهنگ، زیبا و در نهایت سجع روبرویم» (ظاهر خانی، ۱۳۸۳ش: ص ۱۲۸).

برای سهولت مقایسه کاربری انواع سجع در سوره‌های حوامیم، فراوانی و درصد فراوانی فواصل سه گانه در مجموعه این هفت سوره در ضمن جدول و نمودار ذیل آمده است:

نوع سجع	تعداد آیات	فراوانی		مطرف		نام سوره
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
غافر	۸۵	۶۵٪	۲۱	۲۵٪	۳۳	۳۹٪
فصلت	۵۴	۶۳٪	۹	۱۶٪	۳۲	۵۹٪
شوری	۵۳	۴۵٪	۱۶	۳۰٪	۲۸	۵۳٪
زخرف	۸۹	۹۰٪	۲	۲٪	۴۲	۴۷٪

دخان	۵۹	۴۰	۶۸٪	۲	۳٪	۳۰	۵۱٪
جائیه	۳۷	۲۸	۷۶٪	۰	۰	۱۰	۲۷٪
احقاف	۳۵	۲۷	۷۷٪	۰	۰	۱	۰.۲٪

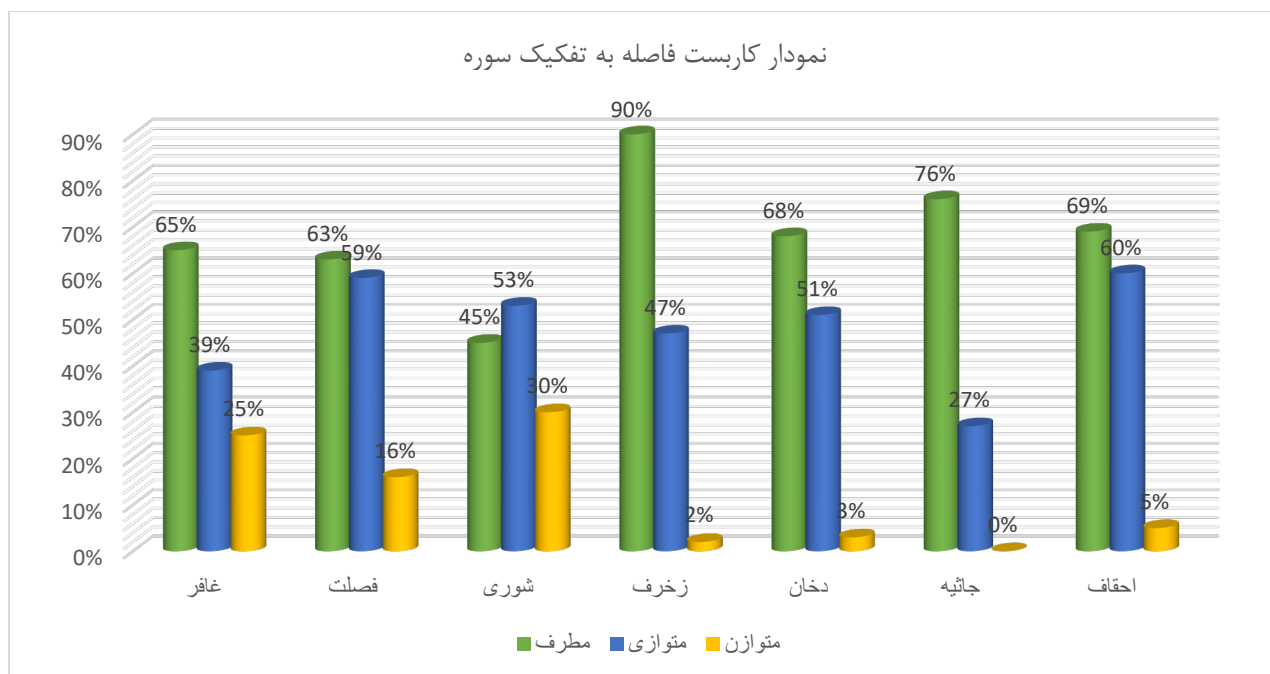
جدول شماره ۱



نمودار شماره ۱

همان‌طور که در نمودار بالا مشهود است، نسبت سجع مطرف، متوازی و متوازن در این هفت سوره نسبتی نزدیک و جالب توجه است؛ به نحوی که با بررسی انواع سجع در این سوره‌ها دریافتیم که بعضی از انواع سجع مثل متوازن در بعضی سوره‌ها اصلاً استفاده نشده یا بندرت استعمال شده است و در سور دیگر بسامد بالایی ندارد. البته هر سوره می‌تواند تشخیص خاص خود را داشته باشد. از دیگر سو بسامد سجع مطرف در سور حوامیم نسبتاً بیشتر از سایر انواع آن می‌باشد و پس از آن سجع متوازی بیشترین نقش را در تشخیص آوایی ایفا می‌نماید و سجع متوازن در این هفت سوره به طور همسان دارای کمترین بسامد است.

همگنی موسیقی کلام در این سوره‌ها با بسامد استفاده از دو نوع سجع مطرف و متوازی، به هم گره خورده است و این نوع سجع تشابه بافت را در این هفت سوره حفظ کرده است. اما در مورد نوع دیگر سجع به صورت مشابهی بسامد پایین و یا حتی بدون فراوانی تکرار است. بنابراین حوامیم به لحاظ بهره‌گیری از این آرایه ادبی و انواع آن، به صورتی مدون متناظرند. البته علاوه بر تشابه این مجموعه سور به لحاظ فراوانی تکرار و بسامد هر یک از انواع سجع، همین بسامد در مجموعه سور مکی برقرار است که خود قابل تأمل است.



## نمودار شماره ۲

نمودار فوق، برای درک بهتر نوع موسیقی و فراوانی استفاده از انواع سجع در هر سوره، می‌تواند مفید فایده باشد و در این نمودار بافت سور حوامیم به لحاظ در صد استفاده از انواع سجع با حفظ تشخیص آوایی خود، کاملاً مشهود و هویداست. ناگفته نماند که یافته‌ها و شواهد حاکی از آن است که ریتم، لحن، فواصل و دیگر مؤلفه‌ها، خاصه مؤلفه‌های آوایی در سور مکی و مدنی دارای تفاوت معناداری است.

## نتیجه‌گیری

انسجام آوایی از جمله مؤلفه‌های دانش زبان‌شناسی است که موجد وحدت در کلام و سهولت انتقال به مخاطب و گیرایی و مانایی آن در ذهن او خواهد بود. از جمله عناصری که نقش بسزایی در آفرینش انسجام آوایی کلام در متون ادبی و به طور خاص در قرآن دارد، عنصر سجع یا همان فاصله است. بررسی و کنکاش در کاربرد فواصل در سور حوامیم که مصدر به حروف مقطعه یکسان و مضامین متناظرند، نشان می‌دهد که بافت موسیقایی در مجموعه این هفت سوره، به لحاظ آوایی سجع و فاصله، بافتی همگن و همگون دارد و درصد استفاده از سجع مطرف در این مجموعه سور، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و پس از آن سجع متوازی بیشترین درصد فراوانی را دارد و استفاده از سجع متوازن کمترین بسامد را داراست. با تحلیل داده‌ها و نمودارهای مربوط به این درصد فراوانی‌ها مشخص شد که کاربرد سجع استفاده از فواصل سه‌گانه با بافتی مشابه و متقارن در هفت سوره ساری و جاری است که ضمن حفظ موسیقی مختص به هر سوره، موسیقی آن در تناظری چشمگیر با بقیه سور حوامیم قرار دارد و یافته‌ها گویای آن است که نه تنها مضامین



و مفاهیم در این سور با فواتح مشابه، متناظر است، بلکه تناظر در انسجام آوایی نیز به موازات آن برقرار بوده و موسیقی کلام به خوبی در خدمت انتقال معنا به مخاطب قرار گرفته به طوری که در سوره‌های با حروف مفتوحه و مقطعه مشابه، بافت موسیقایی نیز مشابه است. پس موسیقی با معنا نسبتی برابر داشته و در مضامین مشابه، آهنگ کلام نیز همگن و متقارب است.

## منابع و مأخذ

- قران کریم

- ابن اثیر، ضیاء الدین (۱۹۹۵م)، «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر»، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: مکتبه العصریه الطباعه والنشر.
- ابن سنان خفاجی (بی تا)، عبدالله بن محمد، «سر الفصاحه»، بیروت: دارالکتب العلمیه
- أحمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، أبو الحسین، (۱۳۹۹ق)، «مقایس اللغه»، بی جا، انتشارات دارالفکر.
- باقلانی، محمد بن طیب (۱۴۲۱ ه.ق.)، «إعجاز القرآن»، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
- خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان-ناهید، ۱۳۷۷ش، ج ۲، صص ۱۲۴۹-۱۲۵۰.
- خرقانی، حسن، «سجع و فواصل آیات»، مجله‌ی علوم و معارف قرآن، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵ش، صص ۲۵-۵۵.
- الخطیب القزوینی، محمد بن عبد الرحمن، (بی جا)، «الایضاح فی علوم البلاغه»، التحشیه: شمس الدین ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، بی جا
- دسوقی، محمد، (۱۳۰۷ق)، «شرح مختصر المعانی تفتازانی»، المطبعه النفیسیه، بی جا، بی جا.
- رازی، ابوالفتح، (۱۳۶۵ش)، «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، به اهتمام: محمدجعفریاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بی جا.
- زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۰۸ق)، «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت: چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم.
- سخاوی، علی بن محمد، (۱۴۱۹ق)، «جمال القراء و کمال الاقراء»، بیروت: موسسه الکتب الثقافیه.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۴۰۸ق)، «تناسق الدرر فی تناسب السور»، بیروت: چاپ عبدالله محمد درویش.
- -----، (۲۰۰۰م)، «ترتیب سور القران»، بیروت «لبنان: دار و مکتبه الهلال.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۳۷۸ق)، «الاتقان فی علوم القرآن»، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، بی جا.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عتیق، عبد العزیز (بی تا)، «علم البدیع»، بیروت - لبنان: دار النهضه العربیه، چاپ اول.

- عسکری، ابوهلال (بی تا)، «الصناعتین»، بی جا: الکتابه والشعر.
- فرج، حسام احمد، (۲۰۰۷م)، نظریه علم النص، القاهره: مکتب الآداب.
- فر کلاف، نورمن، (۱۳۹۷)، «تحلیل انتقادی گفتمان»، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیق رسانه.
- گرین، کیت و جیل لبیهان، (۱۳۸۳ش)، «درسنامه نظریه ادبی»، تهران: روزگار.
- مصلوح، سعد، (۱۹۹۰م)، «من نحو الجملة الى النص، الكتاب التذکاري بقسم اللغة العربيه، اعداد وديعه طه»، کویت: نجم عبدو بدوی.
- معرفت، محمدهادی (بی تا)، «التمهيد في علوم القرآن»، جماعه المدرسين في الحوزه العلميه، قم - ایران: مؤسسه النشر الإسلامی.
- موسوی فندرسکی، ابوطالب بن میرزا بیک، (۱۳۸۱ش)، «رساله بیان بدیع»، تصحیح و تحشیه: مریم روضاتیان، دفتر تبلیغات، اصفهان.
- مهاجر، مهران؛ نبوی، محمد، (۱۳۷۶ش)، به سوی زبان شناسی شعر؛ رهیافتی نقش گرا، تهران: نشر مرکز.
- هاشمی، احمد، (۱۴۲۵ق)، «جواهرالبلاغه»، قم: اسماعیلیان، بی چا.
- هالیدی، مایکل؛ حسن، رقیه؛ (۱۳۹۳م)، زبان، بافت و متن، ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاهرود، چاپ اول.
- مقالات:
- لطفی پور ساعدی، کاظم، (۱۳۷۲ش)، «درآمدی بر سخن کاوی»، مجله زبان شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۹-۳۹.
- سایت ها: